

امیر علیشیر نوایی

میزار. الاوزار

(در عروض شعر ترکی)



مجلس، قزوین
زادگاه جاز. قزوین

تصحیح متن ترکی جغتایی، ترجمه به فارسی و مقدمه:

دکتر حسین محمدزاده صدیق



این کتاب دارای مقدمه‌ای حاوی حمد و نعت و سخن در شرف فن عروض است. سپس از معنای کلمه‌ی عروض، هشت تفعله‌ی سالم و زحافات و فروع و بحور آن‌ها و دو اثر و تقطیع شعر و نمونه‌هایی از اشعار خود شاعر سخن می‌رود. در این رساله، گذشته از عروض کلاسیک ترکی که اشتراکات زیادی با عروض عربی و فارسی دارد، از قالب‌های شعری خاص ترکی نظیر تویوق Tuyuq، قوشوق Qopşuq، چنگه çəŋgə، آرازواری Arazvāri، تورکی Türki و جز آن نیز سخن رفته است.



مشارکت
کتابخانه

۱۱۲-

بلاغت



میزان الاوزان

از:

امیرعلیشیر نوایی

تصحیح متن ترکی جغتایی، ترجمه به فارسی و مقدمه:

دکتر ح. م. صدیق

سرشناسه: امیرعلیشیرنوائی، علیشیر بن کیچکنه، ۸۴۴ - ۹۰۶ ق.

عنوان و نام پدیدآور: میزان الاوزان / از امیرعلیشیر نوائی؛ ترجمه و تصحیح حسین محمدزاده صدیق.

مشخصات نشر: تهران: تکدرخت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۶۴۶ - ۴۸ - ۰۰

یادداشت: نمایه.

موضوع: عروض ترکی جغتایی - قرن ۹ ق.

شناسه افزوده: محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ -، مصحح، مترجم

رده بندی دیویی: ۴۱۸ / ۰

رده بندی کنگره: ۵۶۷۳ PIR / م ۱۳۹۲۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۱۵۰۲۶



میزان الاوزان

ترجمه از ترکی جغتایی، ترجمه به فارسی و مقدمه: دکتر ح. م. صدیق

محل نشر: تهران / تاریخ نشر: ۱۳۹۳ / نوبت چاپ: اول / شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان / شابک: ۰ - ۴۸ - ۶۶۴۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان جمهوری، ابتدای نوفلاح، پلاک ۱، واحد ۴.

تلفن: ۶۶۵۶۵۱۳۲



فهرست مطالب

- جدول آسان خوانی متون ترکی ۶
- زندگی و آثار امیر علیشیر نوایی ۹
- ۱-۱. زایش و رسایی ۱۱
- ۱-۲. زندگی سیاسی ۱۲
- ۱-۳. بناهای خیر و خدمات امیر
علیشیر در خراسان ۱۳
- ۱-۴. نوایی و جامی ۱۵
- ۱-۵. نابغه‌ی جهان اسلام ۱۵
- ۱-۶. آثار امیر علیشیر نوایی ۱۹
- خزائن المعانی ۲۱
- دیوان فارسی ۲۵
- خمسه‌ی نوایی ۲۸
- لسان الطیر ۳۹
- رساله‌ی معما ۴۲
- مجالس النقائس ۴۲
- نسایم المحبة من الشمایم
الفتوة ۴۵
- سراج المسلمین در عقاید دینی ۴۵
- محبوب القلوب ۴۶
- محاکمة اللغتين ۴۸
- مناجات ۴۸
- چهل حدیث ۴۹
- نظم الجواهر ۴۹
- تاریخ انبیاء و حکماء ۵۰
- تاریخ ملوک عجم ۵۰
- زبدة التواریخ ۵۲
- حالات سید حسن اردشیر بیگ ۵۲
- خمسة المتحیرین ۵۳
- حالات پهلوان محمد ۵۳
- وقفیه ۵۴
- منشآت ۵۴
- ۱-۷. میزان الاوزان ۵۴
- متن رساله میزان الاوزان ۵۹
- [تحمیدیه] ۶۱
- [سبب تألیف] ۶۱
- [فن عروض] ۶۴
- [معنای عروض] ۶۵
- [ارکان وزن] ۶۶
- [هشت اصل عروض] ۶۸
- فصل [در شناخت زحاف و فروع] ۷۰
- [۱. مفاعیلن] ۷۰
- [۲. فاعلاتن] ۷۲

مثال‌های زحافات هزج اخرم از	۳. [مستقلین]..... ۷۴
رباعی در زبان ترکی ۱۱۷	۴. [مفعولات]..... ۷۶
[مثال‌های زحافات هزج اخرب از	۵. [فعول]..... ۷۸
رباعی در زبان ترکی]..... ۱۲۱	فصل [در شناخت اوزان و بحور]..... ۸۰
شجره‌ی اخرم ۱۲۵	نام‌های بحرها ۸۰
شجره‌ی اخرب ۱۲۵	طویل ۸۰
بحر رجز ۱۲۷	مدید ۸۱
بحر رمل ۱۳۳	بسیط ۸۱
[بحر منسرح]..... ۱۳۹	وافر ۸۲
[دایره‌ی دوم]..... ۱۴۰	کامل ۸۲
[بحر مضارع]..... ۱۴۵	[دایره‌ی مؤتلفه]..... ۸۴
[بحر مقتضب]..... ۱۵۰	[دایره‌ی مختلفه]..... ۸۶
[بحر مجتث]..... ۱۵۳	[دایره‌ی متفقه]..... ۸۸
[دایره‌ی سوم]..... ۱۵۸	[دایره‌ی متنوعه]..... ۸۹
[بحر سریع]..... ۱۵۸	[دایره‌ی مجتمعه]..... ۹۱
[بحر جدید]..... ۱۶۰	[دایره‌ی مختلطه]..... ۹۴
[بحر قریب]..... ۱۶۱	[دایره‌ی مشتبهه]..... ۹۶
[بحر خفیف]..... ۱۶۲	فصل - [تقطیع شعر]..... ۹۸
[بحر مشاکل]..... ۱۶۵	فصل اجزاء بیت]..... ۱۰۵
[دایره‌ی چهارم]..... ۱۶۷	بحر هزج ۱۰۵
[بحر متقارب]..... ۱۶۷	[امثله‌ی زحافات هزج اخرم و اخرب]..... ۱۱۷
[بحر متدارک]..... ۱۷۱	
[دایره‌ی پنجم]..... ۱۷۵	

۱۷۹.....	[دایره‌ی ششم]
۱۷۹	[بحر کامل]
۱۷۹	[بحر وافر]
۱۸۱.....	[دایره‌ی هفتم]
۱۸۱	[بحر طویل]
۱۸۱	[بحر مدید]
۱۸۲	[بحر بسیط]
۱۸۳.....	[اوزان ترکی]
۱۸۳	[۱. پربها]
۱۸۴	[۲. تویوغ]
۱۸۵	[۳. قوشوق]
۱۸۶	[۴. چنگه]
۱۸۷	[۵. محبت‌نامه]
۱۸۷	[۶. مستزاد]
۱۸۸	[۷. آرازواری]
۱۸۹	[۸. اوزماغ بودای بودای]
۱۸۹	[۹. تورکی]
۱۹۱.....	[خاتمه]
۱۹۳.....	افزوده‌ها
۱۹۴.....	۱. نام‌های اجزای افاعیلی
۱۹۵.....	۲. اصطلاحات عروضی
۱۹۷.....	۳. وثیقه

جدول آسان خوانی متون ترکی

برای آسان خوانی متون ترکی، برخی تغییرات در نگارش کلمات ترکی در این کتاب اعمال کردیم که در جدول‌های زیر نشان می‌دهیم؛ و همچنین سعی کردیم شکل نگارش کلمات دخیل عربی و فارسی را نیز حتی‌الامکان مطابق مبدأ و اصل آن‌ها حفظ کنیم.

۱. جدول واک‌نگاری

معادل حروف لاتین		مثال	نشانه‌های واکه‌های ترکی
almaq	A , a	آلماق (گرفتن)	آ ، ا
əl	Ə, ə	ال (دست)	ا ، َ، ِ، ِ، ِ
ilan	İ, i	ایلان (مار)	ای، ِ، ِ، ِ، ِ
qızıl	I, ı	قیزیل (طلا)	ای، ِ، ِ، ِ، ِ
sol	O, o	سؤل (چپ)	او، ِ، ِ، ِ، ِ
söz	Ö, ö	سۆز (سخن)	او، ِ، ِ، ِ، ِ
ulduz	U, u	اولدوز (ستاره)	او، ِ، ِ، ِ، ِ
düzmək	Ü, ü	دۆزمک (چیدن)	او، ِ، ِ، ِ، ِ
yel	E, e	یئل (باد)	ائ، ِ، ِ، ِ، ِ

۲. جدول آواک‌نگاری

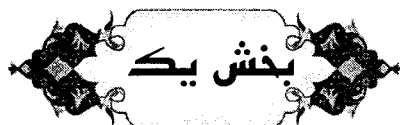
معادل حروف لاتین		مثال	نشانه‌های آواک‌های ترکی
buz	B, b	بوز (یخ)	ب/ب/ب/ب/ب
öpmək	P, p	اؤپمک (بوسیدن)	پ/پ/پ/پ/پ
toy	T, t	توی (جشن)	ت/ت/ت/ت/ت
Sürəyya	S, s	ثریا	ث/ث/ث/ث/ث

میزان الاوزان / ۷

can	C, c	جان	ج / جا / جد / ج
çaxmaq	Ç, ç	چاخماق (آتش زنه)	چ / چا / چد / چ
Həvva	H, h	حوّا	ح / حا / حد / ح
xaliq	X, x	خالق	خ / خا / خد / خ
daş	D, d	داش (سنگ)	د / دد
zövq	Z, z	ذوّوق	ذ / ذد
bir	R, r	بیر (یک)	ر / رر
ziğ	Z, z	زیغ (گل)	ز / زز
jalə	J, j	ژاله	ژ / ژژ
sərin	S, s	سرین (خنک)	س / سا / سد / س
şəhid	Ş, ş	شهید	ش / شا / شد / ش
sidq	S, s	صدق	ص / صا / صد / ص
zələlət	Z, z	ضالالت	ض / ضا / ضد / ض
Tur-e Sina	T, t	طور سینا	ط / طا
zill	Z, z	ظلّ	ظ / ظا
Cə`fər	`	جعفر	ع / عا / عد / ع
bağ	Ğ, ğ	باغ	غ / غا / غد / غ
fəna	F, f	فنا	ف / فا / فد / ف
qaş	Q, q	قاش (ابرو)	ق / قا / قد / ق
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	ک / کا / کد / ک
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گ / گا / گد / گ
diləyim	Y, y	دیله گیم (آرزویم)	ی / یا / ید / ی

۸ / جدول آسان خوانی متون ترکی

lalə	L, l	لاله	ل / ل / ل / ل
miskin	M, m	مسکین	م / م / م / م
incə	N, n	اینجه (ظریف)	ن / ن / ن / ن
vaxt	V, v	واخت (وقت)	و / و
hilal	H, h	هلال	ه / ه / ه / ه
yaban	Y, y	یابان (دشت)	ی / ی / ی / ی



پیش‌گفتار
در زندگی و آثار
امیر علیشیر نوایی

۱-۱. زایش و رسایی

نظام الدین امیر علیشیر نوایی در ۱۷ رمضان سال ۸۴۴ هـ . ق. (۹ فوریه ۱۴۴۱ م.) در شهر هرات، در یک خانواده‌ی تورکِ اویغور چشم به جهان گشود. پدرش غیاث الدین کیچکینه بهادر از نزدیکان ابوالقاسم بهادر حاکم خراسان بود. پدر بزرگ مادری اش نیز ابوسعید چیچک از بیگلربیگی‌های میرزا بایقارا به شمار می‌رفت. پدرانش در اصل جزو کارگزاران تیموری به حساب می‌آمدند.

پدرش او را در شش سالگی، پس از وفات شاهرخ، به عراق برد. بر سر راه در شهر تفت، در خانقاهی شرف الدین علی یزدی مورخ تیموری را ملاقات کرد.

چند سال بعد، سلطان ابوالقاسم بابر به حکومت خراسان رسید و پدر وی در شهر سبزوار حاکم شد. امیر علیشیر از کودکی همراه حسین بایقارا نوه‌ی میرزا بایقارا و فرزند امیر غیاث الدین منصور بزرگ شد. دوستی و رفاقت آن دو، تا دم مرگ دوام داشت.

علیشیر در ۱۵ سالگی همراه ابوالقاسم بابر به مشهد رفت و در آنجا به تحصیلات خود ادامه داد. پس از فوت پدرش به هرات برگشت و به خدمت ابوسعید میرزا در آمد و سپس به سمرقند رفته، در خانقاه خواجه فضل الله ابولیشی دو سال خدمت کرد و درس خواند.

۲-۱. زندگی سیاسی

امیرعلیشیر از طرف سلطان حسین بایقارا پس از ضبط هرات بدانجا دعوت شد و در روز عید فطر سال فتح، با چکامه‌ای با عنوان *هلالیه* وارد هرات شد و پیش او رفت. سلطان حسین در باغ زانجان در کنار شهر هرات ضیافتی برای او ترتیب داد و او را به سمت «نشانچی» (= صاحب مهر ممالک) خود تعیین کرد و چندی بعد به او مقام دیوان بیگی داد. وی، هم امیر «دیوان بزرگ امارت» و هم رئیس «دیوان مالی» بود. دیوان بزرگ امارت وظیفه‌ی اداره‌ی صاحب منصبان ترک را داشت و دیوان مالی ناظر به اداره‌ی رعایای غیر ترک منطقه از تاجیک و عجم و غیره بود. منشیان دیوان بزرگ امارت را «باخشی» و یا «نویسندگان ترک»، و منشیان دیوان مالی را «وزیر» و یا «نویسندگان تاجیک» می‌گفتند و اولوغ بیگ به هر دو دیوان صدارت می‌کرد. امیرعلیشیر گر چه چنین مقامی نداشت، ولی عضو «دیوان عالی» یا «دیوان بزرگ امارت» بود و نیز مقام «ایچیگی» یا ندیم سلطان را داشت. اصطلاح وزیر در آن روزگار فقط به کاتبان و منشیان فارس و عجم اطلاق می‌شد که تابع حکومت بودند. از این رو، نمی‌توان او را وزیر نامید و در منابع نیز چنین ذکری از او نرفته است. تحقیقات ناقص سبب شده که وی به وزیر بودن معروف شود.

علیشیر ۱۵ ماه والی مختار ولایت استرآباد شد، اما بیشترین سال‌های عمر خود را در هرات گذراند و در سفر و حضر همراه سلطان حسین بایقارا بود.

علیشیر نوایی چندی در خدمت دولتی ماند و سپس به قول خود، مهر شکست و استعفا کرد:

چون بنکا لطف اتندی شه دیواندا مهر، بو ایدی ایلدین قویی مهر اورماغیم.
کیم غرور نفس سرکش منعی غه، بارچادین بولغای قویی اولتورماغیم.
چون شکست نفس حاصل بولمادی، موندین اولدی مؤهرومی سیندیرماغیم.

از این رو، در منابع زندگی‌گزاری از امیر علیشیر به عنوان «ندیم سلطان حسین» نام برده می‌شود. ولی باید گفت که به خلاف تمایل وی به کناره‌گیری از مناصب دولتی، هیچ‌گاه نتوانست از جو سیاسی و دولتی جدا شود و سلطان حسین در اداره‌ی ملک و دولت پیوسته محتاج تدابیر او بوده است و نزدیک سی و دو سال او را پیش خود نگهداشت. نوایی در ۶۰ سالگی در اقامتگاه خود وفات کرد و در جوار مسجد قدسیه که خود بنا کرده بود و در مزاری که قبلاً آماده داشت، دفن شد.

۳-۱. بناهای خیر و خدمات امیر علیشیر در خراسان

امیر علیشیر نوایی خیرات و مبرات فراوانی از خود بر جای گذاشته است. فخری هراتی در ترجمه‌ی مجلس نهم از مجالس النفایس به فارسی در «قسم اول» با عنوان «ذکر لطایف حضرت میر» عدد بناهای خیر او را ۳۷۰ ذکر می‌کند و می‌گوید:

«... روی به تربیت ارباب فضل و کمال آورد... هر سال هزار دست سر و پای به مساکین مقرر کرد و سیصد و هفتاد بقعه ساخت.»^۱

مرحوم علی اصغر حکمت در مقدمه‌ی چاپ کتاب *مجالس النقایس* گوید:

«در این ایام که به تصحیح این کتاب مشغول بود، در صدد بر آمد که به آثار موجود آن امیر نامدار که در خراسان فعلی و در وقت حاضر باقی است اشاره‌ای شود... از نام او در این باب تجلیلی شایسته به عمل آید. برای انجام این مقصود از... آقای عبدالحمید مولوی مقیم مشهد استمداد نمودم... آنقدر که تا کنون به وسیله‌ی آقای مولوی تحقیق شد در خاک ایران از آنچه موجود است، هفت بنا بیشتر به دست نیامد...».

این هفت بنا، عبارتند از:

۱. ایوان جنوبی صحن عتیق حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) در مشهد.
۲. مزار شیخ فرید الدین عطار نیشابوری.
۳. آب نهر خیابان در مشهد.
۴. رباط سنگ بست.
۵. رباط دیز آباد.
۶. سد آجری قریه‌ی طرق.
۷. بقعه‌ی امیر قاسم انوار سراسی در قریه‌ی لنگر در خرگرد جام.

^۱ مجالس النقایس، ص ۱۳۴.

۴- ۱. نوایی و جامی

عبدالرحمان جامی در اسکندرنامه در وصف امیر علیشیر نوایی چنین می گوید:

ز چرخ آفرین‌ها بر آن کلک باد،	که این نقش مطبوع از آن کلک زاد.
بیخشید بر پا بسی گوهران،	به نظم دری در نظم اوران.
که گر بودی آن هم به نظم دری،	نماندی مجال سخن گستری.
به میزان آن نظم معجز نظام،	نظامی که بودی و خسرو کدام؟
چو او بر زبان دگر نکته راند،	خرد را به تمییزشان ره نماند.
زهی! طبع تر ارشاد سخن،	ز مفتاح کلکت گشاد سخن.

و نیز جامی درباره‌ی نوایی قطعه‌ی زیر را سروده است:

عَلَى سَيْرِ الْأَفَاضِلِ سِرَّتَ دَهْرًا،	و أَخَرَّتَ الْفَضَائِلَ بِالْأَوَاصِلِ.
و بِأَسْمِكَ قُفَّتْ أَهْلُ الْفَضْلِ طَرًّا،	لِذَا صَوَّرْتَهُ فَوْقَ الْأَفَاضِلِ.

دوستی نوایی با جامی تا سال ۸۹۸ هـ. تاریخ وفات جامی دوام یافت. نوایی در سوک او مرثیه‌ای به فارسی سرود و در *خمسة المتحیرین* نیز او را یاد کرد. جامی چهار کتاب خود با نام‌های *نفحات الانس*، *شواهد النبوه*، *أشعة اللمعات* و *رساله‌ی معما* را به امر و خواهش نوایی به قلم آورده است.

۵- ۱. نابغه‌ی جهان اسلام

امیر کبیر، امیر علیشیر نوایی برجسته‌ترین شخصیت ادبیات ترکی جغتایی در قرن ۹ هجری در آسیای میانه محسوب می‌شود. شیوه‌ی ادبی ترکی جغتایی که

تا حدودی تحت تأثیر ترکی قاراخانی بود، در آن عصر، در هرات و سوی‌های آن و بسیاری از مناطق خراسان بزرگ گسترش و تکامل یافته بود.

در تاریخ زبان ترکی تأثیر علیشیر نوایی بسیار گسترده است. سرزمین چاغاتای زبانان را اگر مرکز بشماریم و خراسان بزرگ و ترکستان را جزیی از آن بدانیم، سعید خان کاشغری در ترکی قاراخانی در شرق این مرکز، محمد فضولی نیز در آذربایجان و عراق عرب و غرب این مرکز تحت تأثیر مستقیم امیر علیشیر بودند. از این رو، باید تأکید کنیم که امیر علیشیر مجموعه‌ی ادبیات ترکی عمومی از شرق تا غرب را مدیون خود ساخته است.

ذبیح‌الله صفا در فصل «شاعران پارسی‌گوی از اواخر قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری» بخشی را به امیر علیشیر اختصاص داده و تحت نام *فانی* از او یاد کرده است. گرچه در این باب، به شیوه‌ی مألوف خود در تحقیر این نابغه‌ی جهان ترک تحقیق ناقص و نامربوط انجام داده، اما مجبور به اعتراف شده است که:

«علیشیر مردی متواضع و با ادب و نیکو رفتار بود. با خلایق به مهربانی رفتار می‌کرد و مخصوصاً با شاعران و اهل ادب و هنر معاشرت دائم داشت و در تربیت و تشویق آنان مبالغه می‌کرد و محضرش محل اجتماع آنان بود. خود دوستدار هنر و هنرمندان بود و خطاطان و نقاشان و مذهبیان و موسیقی‌دانان در خدمتش قرب و منزلت بسیار داشتند و به همین سبب وجود او در رونق ادب و هنر در دوران سلطان حسین

میرزای بایقارا تأثیر فراوان داشت. و همگامی سلطان با وی در این راه، هرات را در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم، به صورت یکی از بزرگترین مراکز ادب و هنر در آورد. کرم و ضعیف نوازی و خیر و احسان او معروف است... وی در شعر ترکی مقامی بس والا دارد به نحوی که با وجود شاعران دیگر ترکی گوی در این عهد، او را بنیانگذار واقعی شعر ترکی جغتایی دانسته‌اند...^۱

سلطان محمد فخری مرآت مذکور در فوق در ترجمه‌ای که از *مجالس النفایس* انجام داده و آن را *لطائف نامه* نامیده، فصلی با عنوان *ذکر لطایف حضرت میر بر آن افزوده و شرح احوال و اطوار و آثار امیر علیشیر و هم روزگاران*ش را بیان داشته است. وی در *روزگار شاه اسماعیل ختایی* زندگی می‌کرده است. و این کتاب را به اشاره‌ی فرزند وی *ابوالنصر سام میرزای صفوی* ترجمه کرده است و علت افزودن این فصل بر ترجمه را چنین بیان داشته است:

«این فقیر اندیشه کرد که چون تحف و هدایا در آئین ترکان به نه عدد اشتها یافته، جهت آن که در این اوراق که به هشت مجلس قرار داده، چه تواند بود؟ بعد از تأمل بسیار و تخیل بی‌شمار، به خاطر شکسته چنان قرار یافت که از غایت التفات و عنایت که آن نادر عالم بدین طایفه داشته، مجلس دیگر را برای سخنورانی که در این زمان، شواهد معانی را به زیور نظم مزین می‌سازند، گذاشته، تا از پی ایشان در این جریده مذکور شوند و در میان انام، اسامی و نام ایشان بماند و حالا روح آن بزرگوار، امداد این شکسته‌ی

^۱ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۳۸۴.

خاکسار نموده، بدین جرأت با اعزه و مخادیمی که در این روزگار بدین فن اشتغال می‌نمایند، محلق می‌سازد.»

بخشی از این فصل چنین است:

«در محلی که سلطان صاحبقران از سفر استرآباد و مخاصمت محمد حسین میرزا بازگشته به منزل خواجه پارسا در یازده فرسخی بلده‌ی هرات رسیده بود، امیر مشار الیه به استقبال رفته، ملحق گشته بود، در ساعت مریض شده، در تاریخ نهصد و شش از هجرت روز پنجشنبه از شهر جمادی الاولی وفاتش واقع شد و شعراء و فصاحت شعرا، مرثیه و تاریخ بسیار گفتند اما مولانا صاحب مرثیه‌ای گفت، چهل و پنج بیت که هر بیت از آن یک مصرع تاریخ ولادت و یکی تاریخ فوت. و این دو بیت از آن قصیده است:

ای فلک بیداد و بی‌رحمی بدین‌سان کرده‌ای، وی اجل ملک جهان را بازویران کرده‌ای.
بر جهان‌بازان چه می‌گویی؟ مرا نبود حسد، از حسدباری جهان را بی‌جهانبان کرده‌ای.

خواجه آصفی نیز بدین طریق مرثیه‌ای گفت. این بیت از آنجاست:

حیف از آن اندام‌های همچوگل در زیر گل، با گل اندامان از این سودا فراوان کرده‌ای.

سید خواند میر که خواهرزاده‌ی میر خواند مورخ است این قطعه را گفت:

جناب امیر هدایت پناهی، که ظاهر از او گشت آثار رحمت.
شد از خارزار جهان سوی باغی، که آنجا شکفته است گلزار رحمت.
چو نازل شد انوار رحمت به روحش، بجو سال فوتش ز «انوار رحمت».

۶-۱. آثار امیر علشیر نوایی

علشیر نوایی، گذشته از دیوان و مثنوی‌های مختلف، آثاری در زمینه‌های موسیقی و عروض نگاشته و تذکره و تاریخ نیز از خود بر جای گذاشته است. تا کنون ۲۹ اثر مستقل او باز شناخته شده است که نشانگر تسلط وی به علوم عصر خود و مهارت وی در سخن‌پروری است.

به راستی که در تمامت تاریخ ادبیات عمومی ترکی از نظر گستره‌ی تأثیر ادبی و کثرت آثار و احاطه به علوم عصر، نمی‌توان نظیری برای امیر علشیر نوایی یافت. نقش او در گسترش و تکامل زبان ادبی ترکی کم نظیر است.

وی، در عصر خود مبلغ فداکار اعتنا به زبان و ادبیات ترکی و مشوق جوانان به خلق آثار ادبی در این زبان بوده است. در کتاب محاکمة اللّغتين دو زبان ترکی و فارسی را رو در رو می‌نهد، آن دو را با هم مقایسه می‌کند و نشان می‌دهد که ترکی، از هر نظر برتری‌های فراوانی دارد و احساسات بسیار رقیق و ادراکات عمیق بشری را می‌توان در این زبان بیان کرد. برای اثبات این ادعا، خود پیش‌قدم شد و در مقابل آثار منظوم و منثور فارسی، نظیرهای آن‌ها را با حفظ خود ویژگی‌های خلاقه ایجاد کرد. این آثار در زمینه‌های گوناگون و به شرح زیر برای ما بر جای مانده است:

مذهبی و اخلاقی:

۱-۱. چهل حدیث. (۸۸۶ هـ .)

۱-۲. نظم الجواهر. (۸۹۰ هـ .)

۲۰ / پیش گفتار در زندگی و آثار امیرعلیشیر نوایی

۳-۱ . لسان الطیر . (۹۰۴ هـ .)

۴-۱ . سراج المسلمین . (۹۰۵ هـ .)

۵-۱ . محبوب القلوب . (۹۰۶ هـ .)

تاریخی:

۱-۲ . تاریخ انبیا و حکماء . (۸۹۰ هـ .)

۲-۲ . تاریخ ملوک عجم . (۸۹۰ هـ .)

۳-۲ . زیلة التواریخ .

رجال و انساب:

۱-۳ . حالات سید حسن اردشیر . (۸۹۶ هـ .)

۲-۳ . خمسة المتحیرین . (۸۹۸ هـ .)

۳-۳ . حالات پهلوان محمد . (۹۰۰ هـ .)

تذکره:

۱-۴ . مجالس النفایس . (۸۹۷ هـ .)

۲-۴ . نسایم المحبّة من شمایم الفتوة . (۹۰۱ هـ .)

زبان و ادبیات:

۱-۵ . محاکمة اللّغتين . (۹۰۵ هـ .)

۲-۵ . میزان الاوزان . (۸۹۸ هـ .)

۳-۵ . رساله‌ی معما . (۸۹۸ هـ .)

۴-۵ . منشآت . (۸۹۷ هـ .)

دیوان‌های ترکی:

- ۱- ۶. غرائب الصّغر. (۹۰۴ هـ.)
- ۲- ۶. نوادر الشّباب. (۹۰۴ هـ.)
- ۳- ۶. بدایع الوسط. (۹۰۴ هـ.)
- ۴- ۶. فوائد الکبر. (۹۰۴ هـ.)

دیوان فارسی

خمسه:

- ۱- ۸. حیره الابرار. (۸۸۸ هـ.)
- ۲- ۸. فرهاد و شیرین. (۸۸۹ هـ.)
- ۳- ۸. لیلی و مجنون. (۸۸۹ هـ.)
- ۴- ۸. سبعة سیاره. (۸۹۰ هـ.)
- ۵- ۸. سدّ اسکندری. (۸۸۹ هـ.)

اسناد:

- ۱- ۹. وقفیه. (۸۸۶ هـ.)

اینک برخی از آثار وی را در زیر معرفی می‌کنیم:

■ خزائن المعانی

خزائن المعانی مجموعه‌ی چهار دیوان ترکی امیر علیشیر نوایی را در بر می‌گیرد. نخستین دیوان وی، وقتی بیست و پنج سال داشت از سوی سلطان علی

بن محمد مشهدی در سال ۸۷۰ هـ. تدوین یافت. این نسخه‌ی نفیس در سال ۱۹۶۸ با عنوان *نخستین دیوان* و به صورت روگرفت از سوی حمید سلیمان دانشمند اوزبکستان در شهر تاشکند انتشار یافته است. این دیوان حاوی ۳۹۱ غزل، ۱ مستزاد، ۱ معما و ۴۱ رباعی است.

امیرعلیشیر نوایی خود، میان سال‌های ۸۸۲-۸۷۴ به تشویق سلطان حسین بایقارا، دیوان اشعار خود را با عنوان *بدایع البدایة* مرتب کرد. کهنترین نسخه‌ی این دیوان در کتابخانه‌ی ناسیونال پاریس به شماره‌ی ۷۴۶ نگهداری می‌شود که در فهرست بلوژنه معرفی شده است.^۱

وی، دومین دیوان خود را با عنوان *نوادرات‌النهایة* در سال ۸۹۳ تدوین ساخت که دارای ۶۲۸ غزل، ۳ مستزاد، ۳ ترجیع بند، ۵ قطعه، ۴۶ رباعی، ۶ معما، ۱ لغز و ۱ تویوق است. از این میان ۴۶۰ مورد جدید است و مابقی از *نخستین دیوان* و *بدایع البدایة* اخذ شده است.

نوایی پس از تدوین این دیوان‌ها سال‌ها به تدوین اشعار خود نپرداخته است و در پنجاه سالگی به توصیه‌ی سلطان حسین بایقارا، سر و سامان دادن به دیوان‌های خود را آغاز کرده است و همه‌ی اشعار خود را یک‌جا گرد آورده و با

^۱ - Blochet, cat. Mss. Turcs, II. P. 51.

نام‌های زیر در چهار مجلد تدوین ساخته است و هر چهار مجلد را یک جا خزنائن المعانی نامیده است. چهار مجلد دیوان‌های ترکی وی عبارتند از:

۱. غرائب الصغر. (اشعار سروده شده میان ۲۰-۸ سالگی)

۲. نوادر الشباب. (اشعار سروده شده میان ۳۵-۲۰ سالگی)

۳. بدایع الوسط. (اشعار سروده شده میان ۴۵-۳۵ سالگی)

۴. فوائد الکبر. (اشعار سروده شده میان ۶۰-۴۵ سالگی)

بنا به تحقیقات ژانوس اکمن Janos Ekmann در این تدوین‌های نهایی، برخی شعرهای دوران‌های گوناگون زندگی نوایی دچار جابجایی هم شده است.^۱

نوایی یک سال پیش از وفات خویش در سال ۹۰۵ هـ. دیباچه‌ای بر دیوان‌های چهارگانه‌ی خود نوشته و علت تدوین آن‌ها را شرح داده است.

تعداد انواع اشعار دیوان‌های چهارگانه‌ی فوق، به شرحی که آگاه سیرری لوند بر شمرده، چنین است:

غرائب الصغر: دارای ۶۳۶ غزل، ۱ مستزاد، ۳ مخمس، ۱ مسدس، ۱ ترجیع‌بند، ۱ مثنوی، ۳۴ قطعه، ۱۳۱ رباعی.^۲

^۱ Eckmann, Janos. Nevainin ilk divanları üzerine, TDK, 1970, s. 255.

^۲ Nevayi, Alişir. Garâib üs Sıgar, Günay Alpay, İst, 1965. (doktora Tezi)

نوادر الشَّبَاب: دارای ۶۴۷ غزل، ۱ مستزاد، ۳ مخمس، ۱ مسدس، ۱ ترجیع‌بند، ۱ ترکیب‌بند، ۵۰ قطعه، ۵۲ معما.^۱

بدایع الوسط: دارای ۶۳۸ غزل، ۱ مستزاد، ۲ مخمس، ۲ مسدس، ۱ ترجیع‌بند، ۱ قصیده، ۵۸ قطعه، ۱۰ لغز، ۱۳ تویوق.

فوائد الکبر: دارای ۶۲۷ غزل، ۱ مستزاد، ۲ مخمس، ۱ مسدس، ۱ مثنی، ۱ ترجیع‌بند، ۱ مثنوی، ۴۸ قطعه و ۸۴ مفردات.

ترتیب غزلیات در چهار دیوان فوق به این صورت است که در آغاز همه‌ی قوافی حروف؛ تحمیدیه، مناجات، نعت و یک غزل عرفانی آورده و سپس غزل‌های غنایی و گاه تعلیمی خود را مرتب ساخته است. در حالی که تا روزگار وی در ترکی و هم در فارسی تحمیدیه و نعت فقط در قافیه‌ی الف می‌آمده است. ویژگی دیگر آنکه در کنار ۲۸ حرف سیستم الفبای ترکی قافیه‌های حروف (پ، چ، ژ، گ) را نیز داخل ترتیب غزل‌ها کرده است.

هر یک از حروف قوافی را هم، چنین شروع کرده است:

الف حرفی‌نینک آفت‌لاری‌نینک ابتداسی،

بی‌حرفی‌نینک بلالری‌نینک بدایتی.

^۱ Nevayi, Alişir. *Nevādirüş-Şebāb*, . Karörs Metin (İ.Ü. doktora Tezi), 1984. (İnceleme Metin- İndeks)